

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: اجتهاد و تقلید - مشروعیت امامت سیاسی ائمه (علیهم السلام)

جلسه هفتاد و ششم 1399/12/24

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة علی محمد رسول الله و علی آله آل الله لاسیما علی مولانا بقیة الله و اللعن الدائم علی اعدائهم اعداء الله إلی یوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ

پرسش:

اگر در نماز یکی از ائمه علیهم اسلام را پیش روی خودمان مجسم کنیم، این شائبه شرک را که «وهابی»ها می‌گویند، ندارد؟

پاسخ:

اگر شما مشغول نماز هستید، یک بچه‌ای روبروی شما باشد، یا امام جماعت جلوی شما است، امام جماعت را مجسم می‌کنید، آیا این شرک است؟

ما در روایت داریم، در «المستدرک» از قول «قطب راوندی»، می‌گوید وقتی می‌خواهید نماز بخوانید طوری نماز بخوانید که انگار نماز آخرتان است، بهشت را پیشاپیش خود قرار بدهید و آتش را زیر پای خود مجسم کنید، ملک الموت در پشت سرتان و انبیاء و اولیاء سمت راست و ملائکه سمت چپ شما، و خدای عالم فوق همه، حاضر و ناظر و مشرف بر شما، بنگر که چگونه نماز می‌خوانی و مناجات می‌کنی.

الْقُطْبُ الرَّاَوْنَدِيُّ فِي لُبِّ اللَّبَابِ، عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: صَلِّ صَلَاةً مُودِعٍ فَإِذَا دَخَلْتَ فِي الصَّلَاةِ فَقُلْ هَذَا آخِرُ صَلَاتِي مِنَ الدُّنْيَا وَ كُنْ كَأَنَّ الْجَنَّةَ بَيْنَ يَدَيْكَ وَ النَّارَ تَحْتَكَ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ وَرَاءَكَ وَ الْأَنْبِيَاءَ

عَنْ يَمِينِكَ وَالْمَلَائِكَةَ عَنْ يَسَارِكَ وَالرَّبَّ مُطَّلِعٌ عَلَيْكَ مِنْ فَوْقِكَ فَانْظُرْ بَيْنَ يَدَيْ مَنْ تَقِفُ وَ مَعَ مَنْ تَتَّجِي وَ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ.

نام کتاب: مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل- نویسنده: نوری، حسین بن محمد تقی(م1320 ق)-

ناشر: مؤسسه آل البيت عليهم السلام- ج 4 ، ص 104

حضور قلب داشته باشید، این چیزی است که ائمه (علیهم السلام) بیان و تاکید کردند.

نکته مهمتر اینکه همان طور که خدای عالم حاضر و ناظر اعمال ما است، ائمه (علیهم السلام)، حضرت ولی عصر علیه السلام هم به اذن خدای عالم، حاضر و ناظر بر ما هستند، آنها اسماء الله هستند :

«نَحْنُ- وَ اللّٰهِ- الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللّٰهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَغْرِفَتِنَا»

الكافي (ط - الإسلامية): نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، ناشر: دار الکتب الإسلامية،

محقق/ مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1 ؛ ص 144

همان طور که جلسه قبل از توصیه های مرحوم «بید آبادی» آوردیم، ما باید همواره خودمان را در محضر حضرت ولی عصر بدانیم

«فَإِنَّا يُحِيطُ عَلَمُنَا بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت): نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق/ مصحح: جمعی از محققان، ج 53، ص 175

ما متأسفانه مشکل مان این است که ائمه (علیهم السلام) را فقط در جسم ظاهری انسانی تصور می کنیم ولی آن جایگاه والای امام (علیه السلام) که:

«لهم الولاية المعنوية والسلطنة الباطنية على جميع الأمور التكوينية والتشريعية»

حاشیه کتاب المکاسب؛ تألیف : الشیخ محمد حسین الأصفهانی، تحقیق : الشیخ عباس محمد آل

سباع، الطبعة : الأولى / 1418 هـ ق، الناشر : أنوار الهدی، المطبعة : علمية، ج 2، ص 379

در نظر نداریم. خدای عالم از همه نیات و اعمال ما باخبر است، حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) هم از تمام اعمال و کردار ما باخبر است. همان طور که دو ملک سمت راست و چپمان همواره حضور دارند، آنها شاهد و ناظر اعمال ما هستند و اعمال ما را می‌نویسند، حضرت ولی عصر هم به همین شکل شاهد بر اعمال ما است و محیط بر ما است.

ما چون همیشه با اجسام و مادیات سر و کار داریم، همه چیز را در حیطه مادیات تصور می‌کنیم، اگر یک ذره‌ای از این حالت خارج شویم و خوب توجه کنیم، همه چیز حل است.

پرسش:

استاد! در حدیث:

«من كنت مولاة فعلی مولاة»

بعضی از علمای شیعه فرمودند این «فاء»، «فاء تفریع» است، لطفاً «فاء تفریع» را در اینجا توضیح دهید؟

پاسخ:

رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) قبل از اینکه بفرمایند:

«من كنت مولاة فعلی مولاة»

فرموده‌اند:

«أَلَسْتُ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا بَلَىٰ، ...»

الكتاب: مسند الإمام أحمد بن حنبل - المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: 241هـ) - المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد، وآخرون - إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي - الناشر: مؤسسة الرسالة - ج 32، ص 76

در روایاتی دیگر دارد:

فَهَذَا وَلِيٌّ مِنْ أَنَا مَوْلَاهُ

القزويني، ابو عبدالله محمد بن يزيد (متوفى 275هـ)، سنن ابن ماجه، ج 1، ص 43، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ناشر: دار الفكر - بيروت.

يا

فَمَنْ كُنْتُ وَلِيًّا فَهَذَا وَلِيُّهُ

الشيباني، عمرو بن أبي عاصم (متوفى 287هـ)، السنة، 592، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، ناشر: المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1413هـ.

حضرت می‌فرمایند اگر من ولایت تامّه بر شما دارم و ولایتم بر شما، از شما بر خودتان بیشتر است، پس علی بن ابی‌طالب هم اینچنین است؛ «فاء تفریع» حال که اقرار کردید به ولایت و اولویت من، هر که چنین اقراری کرده است نتیجه باید علی را هم چنین پندارد. (بخلاف فاء شرط که می‌گوید اگر کسی من مولایش بودم، علی هم مولای اوست)

پرسش:

بعضی گفته‌اند مدیریت اقتصادی حضرت «یوسف» نیز می‌تواند شاهد بر موضوع مورد بحث ما باشد.

پاسخ:

بله این فرمایش درست است، قضیه حضرت «یوسف» هم همین است

پرسش:

روایت می‌گوید خدای عالم را شاهد و ناظر قرار دهید.

پاسخ:

ابن همه روایاتی که ما خواندیم ائمه (علیهم السلام) می‌گویند:

«فَإِنَّا يُحِيطُ عِلْمَنَا بِأَنْبَاءِكُمْ وَلَا يَغْرُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ»

تمام کارهای شما به ما می‌رسد و ما از تمام کارهای شما آگاهی داریم.

بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بيروت)؛ نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد

تقی، ناشر: دار إحياء التراث العربي، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 53، ص 175

اینها را می‌خواهید چه کار کنید؟ یا:

«إِرَادَةُ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَيْكُمْ وَ تَصْدُرُ مِنْ بُيُوتِكُمْ»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الاسلامیة، ج 4، ص 577، بَابُ زِيَارَةِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ

بُنِ عَلِيٍّ (عليه السلام)، ج 2

یا

«بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمَسِكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشَفُ الضُّرُّ

بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَ بِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ»

من لا يحضره الفقيه- المؤلف: ابن بابويه، محمد بن علی(م 381 ق)- مصحح: غفاری، علی اکبر- دارالنشر:

دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم- ج 2، ص 615

این همه روایات در رابطه با ولایت تکوینی اهل بیت (علیهم السلام) داریم. یا تعبیری که حضرت امام دارد: "علم امام به عالم هستی از علم عالم هستی بر خودش قوی تر و نافذتر است." ما همه اینها را نادیده می‌گیریم، فقط می‌گوییم خدای عالم شاهد و ناظر ما است، اگر کسی به اذن الله تبارک و تعالی شاهد و ناظر ما شد چه مشکلی دارد؟ مگر ملائکه‌ای که طرفین ما هستند، شاهد و ناظر ما نیستند؟

پرسش:

استاد ما منکر مقام ائمه نیستیم، مسئله تجسم حضرات قبل و در حال نماز است، این چگونه است؟

پاسخ:

شما الان نماز می‌خوانید، خدا را ناظر می‌گیرید، دو ملک در طرفین هم تجسم می‌کنید که اینها هم شاهد حال شما هستند، آیا نمازتان درست یا باطل است؟ هر چه نیت می‌کنید، هر کلمه‌ای که می‌گویید، حواس‌تان هست یا نیست؟ تمام اینها را این ملک می‌نویسد.

اگر این دو ملک را مجسم کنید که اینها از همه آنچه که از ذهن شما می‌گذرد، آگاهند و می‌نویسند :

(أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۗ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ)

سوره زخرف (43): آیه 80

اینها را می‌خواهید چه کار کنید؟ اگر اینها را در نظر داشته باشید به چه نحوی است؟

در «کافی» روایتی آمده است که:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنِ الْإِمَامِ يَغْلَمُ الْغَيْبِ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَغْلَمَ الشَّيْءَ أَعْلَمَهُ

اللَّهُ ذَلِكَ»

هر وقت امام، اراده کند، خدای عالم او را آگاه می‌کند.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی

اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیه، ج 1، ص 257، بَابُ نَادِرٍ فِيهِ ذِكْرُ الْغَيْبِ، ح 4

و مطالب مهم دیگری که وجود دارد از جمله «امام خمینی» در وصیتنامه‌شان دارند که: "ما مفتخریم که معصومین از علی بن ابی‌طالب گرفته، تا منجی بشریت حضرت مهدی صاحب الزمان (علیهم آلا ف التحیه) که به قدرت خداوند، قادر، زنده و ناظر بر امور هستند، ائمه ما هستند." اینها کاملاً واضح و روشن است. ما روزهای چهارشنبه ساعت 11 تا 12، در «حوزه علمیه باقر العلوم» بحث اخلاقی داریم، دوستان اگر حضور پیدا کنند خوب است، یک سری نکاتی آنجا مطرح می‌شود که به راحتی می‌توانند استفاده کنند.

آغاز بحث...

در رابطه با حکومت سیاسی رسول اکرم مفصلاً بحث کردیم، الان در رابطه با امامت سیاسی ائمه (علیهم السلام) بحث را آغاز می‌کنیم.

قبلاً در رابطه با آیه 6 سوره احزاب، مفصلاً بحث کردیم. من فقط اشاره‌ای می‌کنم. مرحوم «شیخ طوسی» در «تبیان» جلد 8، صفحه 317 دارد:

«ان النبي " صلى الله عليه وآله " أولى بالمؤمنين من أنفسهم " بمعنى أحق بتدبيرهم»

پیامبر احق و اولی است نسبت به حکومت و تدبیر امور مسلمین به طوری که هیچ کدام نسبت به خودش چنین حاکمیتی ندارد.

التبيان في تفسير القرآن؛ المؤلف: الطوسي، محمد بن الحسن (المتوفى 460ق)، تحقيق وتصحيح:

أحمد حبيب قصير العاملي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة: الأولى، 1409 هـ. ج 8، ص 317

در «تفسیر جوامع الجوامع» :

«(النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ) فِي كُلِّ شَيْءٍ مِنْ أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا وَلِذَلِكَ أَطْلُقُ وَلَمْ يُقَيَّدْ»

تفسیر جوامع الجامع؛ نویسنده: الشیخ الطبرسی (وفات: 548)، تحقیق: مؤسسه النشر الإسلامی،
ناشر: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة، ج3، ص49

مرحوم «طباطبائی» در «تفسیر المیزان» می‌گوید:

«النبي صلى الله عليه وآله وسلم أولى بهم فيما يتعلق بالأمر الدنيوية أو الدينية كل ذلك لمكان
الاطلاق»

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة
المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج16، ص277

در «مجمع البيان طبرسی» به همین شکل دارد. جالب این است که «کلینی رضوان الله تعالی علیه» در کتاب
«کافی»، قضیه «عبدالرحیم القصیر» را آورده، البته «عبدالرحیم القصیر» یک دعا و توسلی هم دارد، خدمت
امام می‌رسد و می‌گوید من دعایی ابداع کرده‌ام. حضرت می‌فرماید آن را کنار بگذار و یک نماز و توسلی به
ایشان یاد می‌دهند که خیلی عجیب است. نماز «عبدالرحیم القصیر» برای رفع مشکلات معجزه می‌کند،
روایتش هم صد در صد صحیح است.

دوستان قدرش را بدانند، یعنی از آن گنجینه‌ها است، یکی از اساتید نقل می‌کرد که به نظرم می‌گفت به
«عتبات» یا جای دیگر می‌رفتیم، گفت ما را گرفتند و به پاسگاه بردند، هفت - هشت نفر بودیم، می‌گفت من
در گوشه‌ی شروع کردم به نماز «عبدالرحیم قصیر»، همین که نماز تمام شد، دیدم «رئیس پاسگاه» آمد گفت
شما فعلاً تشریف ببرید ما با اینها کار داریم. می‌گفت ما بلافاصله بیرون آمدیم و حال آنکه دوستان دیگرمان
گرفتار شدند و مدتی هم در زندان بودند.

نماز «عبدالرحیم قصیر» را عزیزان دقت کنند، عیدی ما به دوستان باشد، «عبدالرحیم» می‌گوید:

«دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدَ اللَّهِ (عليه السلام) فَقُلْتُ «جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي اخْتَرَعْتُ دُعَاءً»

فدايت شوم، يك دعایي اختراع کرده‌ام.

حضرت فرمودند:

«دَعْنِي مِنْ اخْتِرَاعِكَ إِذَا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ فَأَفْزَعْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) وَ صَلِّ رُكْعَتَيْنِ
تُهْدِيَهُمَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) قُلْتُ كَيْفَ أَصْنَعُ قَالَ تَغْتَسِلُ وَ تُصَلِّي رُكْعَتَيْنِ
تَسْتَفْتِحُ بِهِمَا افْتِتَاحَ الْفَرِيضَةِ وَ تَشْهَدُ تَشْهَدُ الْفَرِيضَةَ فَإِذَا فَرَعْتَ مِنَ التَّشْهَدِ وَ سَلَّمْتَ »

وقتی گرفتاری خاصی برایت پیش آمد به پیامبر توسل کن، غسل کن و دو رکعت نماز بخوان مانند
نماز فريضة (مجلسی اول: أي بالتكبيرات السبع أو بتكبيرة الإحرام، و كذا التشهد باشماله على
المندوبات أو الواجب) و به پیغمبر هدیه کن، بعد از سلام بگو:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَ مِنْكَ السَّلَامُ وَ إِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَلِّغْ رُوحَ
مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ وَ أَرْوَاحَ الْأَيِّمَةِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي وَ ازْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَ السَّلَامَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةَ
اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَأَتَيْنِي عَلَيْهِمَا مَا أَمَلْتُ وَ رَجَوْتُ
فِيكَ وَ فِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

بعد به سجده برو و چهل مرتبه بگو:

يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا حَيُّ لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سپس گونه راست بر زمین بگذار و چهل مرتبه آن را بگو، سپس گونه چپ و چهل مرتبه، بعد سر از
سجده بردار و دستهایت را به طرف آسمان بگشا و چهل مرتبه بگو، بعد دست به گردن بگذار و
انگشت سبابهات را (به حالت تضرع و استغاثه) به اطراف حرکت ده و چهل مرتبه بگو. سپس با دست
چپ محاسنت را بگیر و با حالت بکاء یا تباکی بگو: يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَشْكُو إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكَ
حَاجَتِي وَ إِلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَ بِكُمْ أَتَوَجَّهُ إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي

سپس سجده کن و بگو: يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ (تا نفس قطع شود) صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي
كَذَا وَ كَذَا»

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَأَنَا الضَّامِنُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَا يَبْرَحَ حَتَّى تُقْضَى حَاجَتُهُ.»

امام صادق می‌فرمایند اگر کسی این نماز را بخواند، من ضامن هستم بر خدا که از جایش بلند نمی‌شود الا اینکه حاجتش برآورده شده باشد.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج3، ص477، بَابُ صَلَاةِ الْخَوَائِجِ، ح1

این روایت صد در صد صحیح است، بنده بررسی سندی هم کرده‌ام، تمام روایتش ثقه هستند.

به هر حال

«عبدالرحیم القصیر» از امام باقر (سلام الله علیه) سوال کرد در رابطه با:

«الَّتِي أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»

سوره احزاب (33): آیه 6

«فِيمَنْ نَزَلَتْ؟ فَقَالَ نَزَلَتْ فِي الْأَمْرَةِ إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ جَرَتْ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام) مِنْ بَعْدِهِ فَنَحْنُ أَوْلَى بِالْأَمْرِ وَبِرَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم) مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ...»

فرمود: در باره امر خلافت نازل شده و این آیه در اولاد حسین (ع) بعد از او مجری گردیده و ما اولی به امر خلافت و به جانشینی رسول خدائیم از سایر مؤمنین و مهاجرین و انصار ...

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الکتب الاسلامیة، ج1، ص288، بَابُ مَا نَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ رَسُولُهُ

عَلَى الْأَيْمَةِ ع وَاجِدًا فَوَاجِدًا، ح2

روایاتی هم خواهیم داشت که خیلی صراحت دارند در حکومت سیاسی ائمه (علیهم السلام) که این حکومت سیاسی را خدای عالم به این بزرگواران داده نه اینکه مردم داده باشند.

«عابدینی» اینجا شبهه‌ی عجیب و غلطی مطرح می‌کند. روایت مفصلی را از «اصول کافی» نقل می‌کند و صریحاً می‌گوید که این مردم بودند که به رسول اکرم ولایت و اختیار داده بودند.

بینید تعبیرش این است: "مقصود از (اطیعوا الرسول) حداقل در برخی از موارد آن است، که ای مردم شما خودتان حکومت را به پیامبر دادید و با او بیعت کردید و به او قول دادید و او هیچ تخلف نکرد؛ پس بدان پایبند باشید در واقع پیمانی است بین رهبری جامعه و مردم."

بعد در کتاب «تفسیر جدید» می‌گوید: "در زمان پیامبر اکرم، مردم «مدینه»، خودشان ایشان را حاکم قرار دادند!"

من نمی‌دانم این شخص با این فکر گمراه کننده، به کجا می‌رود. اخیراً هم شنیدم فتوا داده که سگ، پاک است!

(ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاءُوا الشُّرَاطِي أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ)

سوره روم (30): آیه 10

در هفته وحدت هم از ابابکر و عمر تجلیل کرد. می‌گوید: "در زمان پیامبر اکرم مردم «مدینه» خودشان حضرت محمد را حاکم قرار دادند، خدا با امر ارشادی و (اطیعوا الرسول) کارشان را تأیید کرد." من نمی‌دانم این آقا از کجا درآورده که مردم «مدینه» خودشان حضرت محمد را حاکم قرار دادند؟ آیا ما یک روایت جعلی، ضعیف، بی‌سند داریم که مردم «مدینه» بگویند:

«یا رسول الله جعلناک حاکماً، جعلناک امیراً، جعلناک اماماً»

من نمی‌دانم منشاء این تصورات شیطانی کجاست؟ بعد می‌گوید: "نظر من در این آیه با تمام علمای شیعه و سنی و با تمام مفسران متفاوت شد" یعنی تمام اینها گمراه بودند، نفهمیدند ولی من «عابدینی» فهمیدم. این می‌شود همان کلام ابوبکر که می‌گوید:

« قال أبو بكر: إني قد رأيت في الكلاله رأياً فإن كان صواباً فمن الله وحده لا شريك له، وإن يك خطأ فمني ومن الشيطان.. »

اگر درست باشد فمن الله و اگر غلط باشد از من و شیطان است ..

الكتاب: جامع البيان في تأويل القرآن (تفسير الطبري)- المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد الطبري (المتوفى: 310هـ)- المحقق: أحمد محمد شاكر- الناشر: مؤسسة الرسالة - ج8، ص53

ما نمی‌دانیم با این عقیده‌اش چه کار می‌خواهد بکند :

(حَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ)

سوره بقره (2): آیه 7

اُمّه (علیهم السلام) می‌گویند وقتی رسول اکرم:

(أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ)

است ما هم «اولیٰ بالأمر» هستیم نسبت به مؤمنین و «مهاجرین» و «انصار». روایت دیگر می‌گوید:

«..نَزَلَتْ فِي الْإِمْرَةِ إِنَّ هَذِهِ الْآيَةَ جَرَتْ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ ع مِنْ بَعْدِهِ فَتَحْنُ أُولَىٰ بِالْأَمْرِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ قُلْتُ فَوُلْدُ جَعْفَرٍ لَهُمْ فِيهَا نَصِيبٌ قَالَ لَا قُلْتُ فَوُلْدُ الْعَبَّاسِ فِيهَا نَصِيبٌ فَقَالَ لَا فَعَدَدْتُ عَلَيْهِ بُطُونَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ لَا قَالَ وَ نَسِيتُ وُلْدَ الْحَسَنِ ع فَدَخَلْتُ بَعْدَ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَقُلْتُ لَهُ هَلْ لَوْلِدِ الْحَسَنِ ع فِيهَا نَصِيبٌ فَقَالَ لَا »

چند مورد را سوال می‌کند که آیا در این امر نصیبی دارند، حضرت می‌فرماید: نه :

« وَ اللَّهُ يَا عَبْدَ الرَّحِيمِ مَا لِمَحْمَدٍ فِيهَا نَصِيبٌ غَيْرَنَا.»

کسانی که منسوب به رسول الله هستند غیر از ما، احدی در (النَّبِيِّ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ) که

«نزلت فی الإمرة» است، هیچ نصیبی ندارند.

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: كلینی، محمد بن یعقوب - مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الاسلامیة، ج 1، ص 288، بَابُ مَا نَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُوْلُهُ عَلَی الْأُمَّةِ ع وَاحِدًا وَفَوَاحِدًا، ح 2

روایت هم کاملاً صحیح است، «محمد بن عیسی» هم از دیدگاه ما ثقہ است و مشکلی ندارد. این یک بحث. بحث دیگری هم در رابطه با:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ)

سوره مائده (5): آیه 55

است. «شیخ طوسی» می فرماید:

«و اعلم ان هذه الآية من الأدلة الواضحة على إمامة أمير المؤمنين (ع) بعد النبي بلا فصل.

یکی از دلیل های واضح بر امامت بلا فصل حضرت امیر همین آیه است. وجه دلالتش چیست؟

« و وجه الدلالة فيها أنه قد ثبت أن الولي في الآية بمعنى الأولى والأحق»

اینجا ولی، در آیه به معنای اولی و احق است.

«وثبت أيضا أن المعني بقوله " والذين آمنوا " أميرالمؤمنين (عليه السلام). فإذا ثبت هذان الأصلان»

(قبلا) ثابت شد که مراد از (وَالَّذِينَ آمَنُوا) امیرالمومنین است. وقتی این دو اصل ثابت شد،

«دل على إمامته لان كل من قال : ان معنى الولي في الآية ما ذكرناه قال إنها خاصة فيه»

دلالت بر امامت حضرت تمام می شود چون هر کسی بگوید معنای «ولی» در آیه همان «اولی و

احق» است، می گوید این آیه، خاص برای علی بن ابی طالب است .

«ومن قال باختصاصها به (عليه السلام) قال المراد بها الإمامة»

هر کسی هم گفت این آیه مخصوص امیرالمؤمنین است، می‌گوید مراد از آن امامت است.

«فان قيل دلوا أولا على أن الولي يستعمل في اللغة بمعنى الأولى والأحق ثم على أن المراد به في الآية ذلك ، ثم دلوا على توجهها إلى أمير المؤمنين (عليه السلام)»

می‌گوید عده‌ای از اساس اشکال کرده‌اند که اولاً ثابت کنید که «ولی» در لغت به معنای احق و اولی است تا بعد برسیم به اینکه آیا در آیه هم همین معنا اراده شده، تا بعد برسیم به اینکه آیا کلاً آیه (به هر معنایی) متوجه علی بن ابی‌طالب هست یا نیست.

«قلنا: الذي يدل على أن الولي يفيد الأولى قول أهل اللغة للسلطان المالك للامر : فلان ولي الأمر

پاسخ می‌دهیم آن چیزی که می‌رساند «ولی» افاده «اولی» می‌کند، خطاب اهل لغت است نسبت به سلطان و حاکم که : فلان ولی الامر.

...و يقولون فلان ولي عهد المسلمين إذا استخلف للامر لأنه أولى بمقام من قبله من غيره»

...چون آن شخص اولی به این مقام جانشینی است از غیرش

«...فاما الذي يدل على أن المراد به في الآية ما ذكرناه هو ان الله تعالى نفى أن يكون لنا ولي غير الله وغير رسوله ، والذين آمنوا بلفظة " إنما "»

اما(اشکال دوم) خدای عالم با کلمه «إنما» و نفی، حصر کرده است ولایت را برای خودش و رسولش و آن مومنین .

«ولو كان المراد به الموالة في الدين لما خص بها المذكورين»

اگر مراد مثلاً دوستی در راه خدا و.... بود معنا نداشت اختصاص به این سه .

«لان الموالة في الدين عامة في المؤمنين كلهم، قال الله تعالى : والمؤمنين والمؤمنات بعضهم أولياء

بعض

چون این موالاته و دوستی و برادری، عام است و جاری بین مسلمین...

التبيان في تفسير القرآن؛ المؤلف: الطوسي، محمد بن الحسن (المتوفى 460ق)، تحقيق وتصحيح:

أحمد حبيب قصير العاملي، ناشر: مكتب الإعلام الإسلامي، الطبعة: الأولى، 1409 هـ. ج3، ص559

مرحوم «علامه طباطبائی» هم این تعبیر را دارند :

«ويجمع الجميع أن له صلى الله عليه وآله وسلم الولاية على الأمة في سوقهم إلى الله والحكم فيهم والقضاء عليهم في جميع شؤونهم فله عليهم الإطاعة المطلقة فترجع ولايته صلى الله عليه وآله وسلم إلى ولاية الله سبحانه بالولاية التشريعية وهذا المعنى من الولاية لله ورسوله هو الذي تذكره الآية للذين آمنوا بعطفه على الله ورسوله في قوله : " إنما وليكم الله ورسوله والذين آمنوا "»

ولايت نبی اکرم در جميع شؤون مردم است و وظیفه آنها اطاعت، این ولايت به ولايت تشريعی خداوند برمی‌گردد و با عطف در آیه می‌رساند که برای امام(الذين امنوا) همين شأن ثابت است.

الميزان في تفسير القرآن؛ تأليف: العلامة السيد محمد حسين الطباطبائي قدس سره، ناشر: جماعة

المدرسين في الحوزة العلمية في قم المقدسة، ج6، ص14

بعد روایتی است که ما روی این روایت باید دقت بیشتری بکنیم و «عابدینی» هم روی این خیلی مانور داده است:

«... فَلَمَّا أَتَاهُ ذَلِكَ مِنَ اللَّهِ ضَاقَ بِذَلِكَ صَدْرُ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ تَخَوَّفَ أَنْ يَزْتَدُوا عَنْ دِينِهِمْ وَ أَنْ يُكْذِبُوهُ فَضَاقَ صَدْرُهُ...»

الكافي (ط - الإسلامية)، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب ، مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ناشر: دار الكتب الاسلامیة، ج1، ص289، بَابُ مَا نَصَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ رَسُولُهُ عَلَى الْأَيِّمَةِ ع

وَاحِدًا فَوَاحِدًا، ج4

می‌گویند چرا پیغمبر همه رنج‌ها را به جان خود خریده تا تک تک به او ایمان بیاورند؟ چرا در معرفی و نصب حضرت علی نگران بوده؟ آیا ندای به ولایت از ندای به توحید سخت‌تر بوده؟ در جلسه بعد بحث خواهیم کرد ان شاء الله.

خدا ان شاء الله بر توفیقات همه عزیزان بیافزاید!

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»